

# استفاده از متون ادبی و سخنان بزرگان در تدریس جغرافیا و ایجاد انگیزه در فراگیرندگان

محمود دادگر  
دبیر جغرافیا بابلسر

## آغاز سخن به نام یزدان تا نیک رسد سخن به پایان

مقدمه

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار [سعدی].  
\* خدایا آن را که عقل دادی پس چه ندادی و آن را که عقل ندادی،  
پس چه دادی [عبدالله انصاری].  
خردمند باشید تا توانگر شوید [قابوس نامه].  
در باره‌ی موقعیت ایران  
\* همه جای ایران سرای من است  
چو (که) نیک و بدش از برای من است [فردوسی].  
\* دریغ است ایران که ویران شود  
کنام پلنگان و شیران شود [فردوسی].

### سرزمین‌های مرتفع

\* اشخاص بزرگ به کوه مانند، هر چه به ایشان نزدیک تر شوی،  
بیشتر عظمت و ابهت آنان بر تو معلوم گردد و مردم پست و دون همت  
سراب را مانند که چون کمی به آنان نزدیک گردی، به زودی پستی و  
ناچیزی خود را بر تو آشکار سازند [گوته شاعر و نویسنده‌ی آلمانی].

\* کوه را کی درد باید باد تند [مولوی].

\* یکی مرغ بر کوه بنشست و خامست

نه بر کوه افزود و نه از کوه کاست [نظامی].

\* با ستیغ آسمان سایش

برج هیتمند مغروری است

\* دور مانده فخرش از تاراج هر تسخیر [اسماعیل خونی].

### در اهمیت آب

\* زنده از آب است دائم هر چه هست [عطار].

\* آب را میل جانب پستی است.

بی شک هر اندیشه یا بخشی از دانش را می‌توان به شکلی چنان  
ساده ارائه داده که هر یادگیرنده‌ای آن را با وضوح کامل بفهمد. به  
اعتقاد میکئل سروانتس، ضرب‌المثل‌ها حکمت‌های کوتاهی هستند  
برگرفته از تجربه‌های بلند. بر این اساس، می‌توان از متون ادبی،  
سخنان بزرگان و... برای برانگیختن حس انگیزه‌ی دانش‌آموزان به  
درس و انتقال برخی مفاهیم اخلاقی که کلاس را از محیطی خشک و  
بی‌روح خارج می‌سازد و موجب شور و نشاط در دانش‌آموزان  
می‌شود، استفاده کرد. هم‌چنین می‌توان بخشی از مطالب مطرح شده  
را در حاشیه‌ی کتاب جغرافیا نگاشت. این عمل به جریان یادگیری  
سرعت می‌بخشد و به علاقه‌ی یادگیرنده در استفاده از آن چه آموخته  
است می‌افزاید.

### درباره‌ی جغرافیا

\* تفکر در قلمرو آسمان‌ها و زمین عبادت مخلصان است (امام  
علی(ع)).

\* جغرافیا پنجره‌ای به سوی علم خداست.

در استفاده از قدرت تفکر و خلاقیت

\* تفکر کن تا بینا گردی (امام علی(ع)).

\* سقراط در تعریف انسان می‌گوید: انسان حیوان ناطق است.

چند هزار سال برای انسان تعریف دیگری به این کماستی ارائه نشده  
است. برای این که این حرف درست است و حرف درست زمان و  
مکان ندارد [ابو سعید ابوالخیر].

\* این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

\* تخم بی‌آب حاصلش آه است .

\* باران که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ لاله روید و در شوره‌زار خس

\* تا نگرید ابر، کی خندد چمن [مولوی].

\* تاریشه در آب است، امید و ثمری هست .

\* اگر باران به کوهستان نبارد

به سالی دجله گردد خشک رودی [گلستان سعدی].

\* وقتی چاه خشک شد، ارزش آن معلوم می‌شود [ضرب‌المثل

اسکاتلندی].

### در اهمیت خاک

\* هر که شد خاک‌نشین برگ و بری پیدا کرد

دانه در خاک فرو رفت و سری پیدا کرد [ملاعلی تورانی].

\* در بهاران کی شود سرسبز سنگ

خاک شو تا گل بروید رنگ رنگ

\* امروز که خاک قدم ما دگران‌اند

فرداست که ما خاک قدوم دگرانیم [خیام]

\* خاک در خواب مایه روزی است

برزگر را دلیل بهروزی است [سنایی]

### در اهمیت و نقش جنگل‌ها

اگرچه در کنار جنگل زندگی می‌کنیم، ولی قدر خوب را بدانیم

[ضرب‌المثل چینی].

\* برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفتری است معرفت کردگار [سعدی].

\* نگذارید بمیرد جنگل که جهان خواهد مرد

مرگ هر بوته سبز مرگ ما انسان‌هاست [سهراب سپهری].

\* ای که می‌بینی جهان را برقرار

شد جهان از سبزه‌زاران برقرار

\* چو میوه سیر خوردی شاخ مشکن [سعدی].

\* گلی که تربیت از دست باغبان نگرفت

اگر به چشمه خورشید سرزند خودروست

### در اهمیت جهان‌گردی

\* بسیار سفر باید تا پخته شود خامی [سعدی].

\* سفر خوش است اگر هم سفر شود پیدا [صائب].

\* با رفیقان موافق سفر دور خوش است [صائب].

\* آن سفر کرده که صد قافله دل هم‌راه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش [حافظ].

\* سفر واقعی پشت سر گذاشتن طول سفر نیست . یافتن افق‌های

نازه رنج آن را هموار می‌سازد [مارسل پروست].

\* آدم رفیقش را در سفر و هنگام پول قرض دادن می‌شناسد .

\* صبح بهار است خیز تا به تماشا برویم

تکیه بر ایام نیست تا دگر آید بهار

\* مسافرت کنید؛ زیرا اگر مائی هم به دست نیاوردید، بر عقل و

تجربه‌ی شما افزوده گردد [حضرت محمد «ص»].

### درباره‌ی سیل

\* آری شنا کردن به سمت مخالف رودخانه قدرت و جرئت لازم

دارد، و الا هر ماهی مرده‌ای می‌تواند از طرف موافق جریان آب حرکت

کند [اسمایلز آمریکایی].

\* سنگ را سیل تواند دریا برد [حافظ].

\* سیلاب نبرسد که ره خانه کدام است [صائب].

\* سیل آمد و ره نمی‌توان بست [سعدی].

\* سیل یک دفعه می‌آید، آب باریکه همیشه .

### در آلودگی هوای تهران

\* البرز سترگ و برف همتای حریر

رفتند به خواب ناز چون شکر و شیر

تهران اسیر خفته در دود و نفیر

آلوده ابتذال و اندوده قیر [محمدعلی اسلامی].

\* البرز ز برف کوه سیمین شده است

تهران به هزار جلوه آذین شده است

هر چند که دو روز دیگر گذرد

بینی که همان عجز پیشین شده است [محمدعلی اسلامی].

### درباره‌ی توسعه‌ی پایدار

\* دیگران کاشتند و ما خوردیم

ما بکاریم و دیگران بخورند

\* کم بخور، همیشه بخور .

### درباره‌ی آلودگی آب‌ها

\* ز جامی که خوردی از او آب پاک

نشاید فکندن در او سنگ و خاک [سعدی].

\* چاهی را که از آن آب برمی‌داری، آلوده مکن [ضرب‌المثل

انگلیسی].

در صرفه‌جویی و مصرف بهینه‌ی آب

\* چو دخلت نیست خرج آهسته‌تر کن

به دخل و خرج خود داتم نظر کن

### درباره‌ی سنگ کوه

بباز سنگ پرسیم که غیر از سنگ کسی حکایت فرجام ما

نمی‌داند،

همیشه از همه نزدیک‌تر به ما سنگ است،

نگاه کن، نگاه‌ها همه سنگ است،

قله‌ها همه سنگ است، چه سنگ‌بارانی،

گیرم گریختی همه عمر به کجا پناه می‌بری، خانه‌ی خدا هم سنگ

است [فریدون مشیری].

### درباره‌ی زلزله

\* فراز کشت نشیب و نشیب کشت فراز

رمال کشت رماد و جبال کشت رمال

دریده گشت زمین و خمیده گشت نبات

دمنده گشت بحار و رونده گشت جبال [قطران تبریزی].

### درباره‌ی آب کره

\* دریا زبان دیگر دارد

با موج‌ها، هجوم هجاها

با سنگ‌ها، تکلم کف‌ها

دریا زبان دیگر دارد [یداله رویایی].

\* دریا باش تا هرگز نگندی

\* بحر بی شک منتهای جوی ماست [مثنوی].

\* رودخانه‌های بزرگ قدرت خود را مدیون چشمه‌های کوچک

هستند.

### در سردترین ماه مناطق مختلف کشور

\* مهر ماه را بارانکی، دی ماه را برفکی، فروردین ماه شب بیبار

روز بیار.

### توزیع زمانی نامناسب بارش در ایران

\* حسنی به مکتب نمی‌رفت

وقتی می‌رفت جمعه می‌رفت

\* آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا

\* خروس بی محل

### توزیع مکانی نامناسب بارش در ایران

\* یکی را می‌دهی صد خوان نعمت

یکی را نان جو آغشته در خون

### عوامل جاذبه‌ی شهری

\* آواز دهل شنیدن از دور خوش است.

### محیط زیست

\* یک زمین و یک خانواده [شعار بین‌المللی طرفداران

محیط زیست].

\* نهادینه کردن تفکرات زیست محیطی یک شبه مقدور نیست؛

زیرا به قول یک نویسنده‌ی آمریکای لاتینی، پیدایش فرهنگ‌ها به سان

تشکیل کوه‌هاست. برای تشکیل یک کوه زمان نیاز داریم و برای از

بین رفتن و فرسوده شدن آن‌ها نیز به همان اندازه زمان نیاز داریم و این

عیناً در مورد فرهنگ‌ها و تولد و مرگشان مصداق دارد.

### شهر

\* خداوند بیلافت را می‌سازد و انسان شهرها را [ضرب‌المثل

انگلیسی].

\* به شهر خود روم و شهریار خود باشم [حافظ].

\* شهر هرت (که) نیست.

\* خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش

خداوندانگه‌دار از زوالش [حافظ]

\* اگر چه زنده رود آب حیات است

ولی شیراز ما از اصفهان به [حافظ]

\* اصفهان نصف جهان.

### انفجار جمعیت

\* سیاهی به لشکر نیاید به کار

که یک مرد جنگی به از صد هزار [فردوسی]

\* بنا بر یک افسانه‌ی ایرانی، در حدود قرن پنجم میلادی،

پادشاهی در هندوستان سلطنت می‌کرد که محبت به مردم را فراموش

کرده بود. روزی برهمنی به نام سیسا بازی شطرنج را اختراع کرد تا به

پادشاه بفهماند، پادشاهی که مردم تنهایش بگذارند، مات می‌شود.

پادشاه متوجه این نکته شد و از سیسا خواست تا در عوض چیزی از او

بخواهد. سیسا اول تعارف کرد و گفت سلامتی قلبه‌ی عالم. اما بعد

به اصرار شاه گفت: حالا که شاه اصرار می‌فرمایند، یک دانه برنج یا

یک دانه گندم در خانه‌ی اول قرار دهند، دو برابر آن در خانه‌ی دوم و

دو برابر آن در خانه‌ی سوم و به همین ترتیب تا خانه‌ی ۶۴ شطرنج.

هر مقدار برنج یا گندم که شد، مرحمت نمایند.

پادشاه فوراً پذیرفت و دستور داد که از انبارش برنج یا گندم مورد

تقاضا را به او بدهند، اما نمی‌دانست چه دستوری داده است؛ چون

در خانه‌ی دهم ۵۱۲ برنج و در خانه‌ی پانزدهم ۱۶۳۸۴ و در خانه‌ی

بیست و یکم بیش از یک میلیون ۱۰۴۸/۵۷۶ دانه برنج نصیب آن

فرد می‌کرد. خلاصه آن که همه‌ی برنج‌ها و گندم‌های همه‌ی انبارهای

پادشاه تا سال‌های بعد، مدت‌ها پیش از رسیدن به خانه‌ی

شصت و چهارم تمام می‌شدند. این داستان درست سرنوشت رشد

جمعیت در جهان و ایران را بازگو می‌کند. باید گفت که نه تنها رشد

جمعیت «مجهول‌القوه» است، بلکه «ما فوق مجهول‌القوه» است.

البته او با این خواسته‌ی سیسا، درس دیگری گرفت و فهمید که واقعاً

توانایی انجام هر کاری را ندارد.

### منابع

۱. سپهری، سهراب. شعر زمان ما. مؤسسه‌ی انتشاراتی نگاه.
۲. شفیع، سیروس و مدنی، حسن. زمین‌شناسی عمومی. مرکز نشر دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
۳. دهخدا. امثال و حکم.
۴. دهگان، بهمن. فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی.
۵. یعقوبی، مرضیه. ضرب‌المثل‌های معروف ایران و جهان.
۶. مصوری، مهتاب. ضرب‌المثل‌های ایرانی.
۷. روزنامه‌ی ایران (۸۴/۱۲/۶). محمدعلی اسلامی از منظری دیگر. صفحه‌ی ۱۵.
۸. روزنامه‌ی ایران (۱۶/۱۰/۸۳). شوکت و اعتبار سنگ، درباره‌ی عباس پرورش. صفحه‌ی ۹.